از کل شاغلان کشور حدوداً ۳۵ درصد افزایش یافته و از ۱۲/۶ درصد در سال ۱۳۸۴ به ۲۷ درصد در تابستان سال جاری رسیده است.

این بدان معناست که در کمتر از دو دهه، سهم نیروی کار دارای تحصیلات دانشگاهی تقریباً چهار برابر شده، در مقابل سهم فارغ‌التحصیلان از کل بیکاران نیز از ۱۵/۸ درصد به ۴۰/۳ درصد افزایش یافته است. بر همین اساس می‌توان با قطعیت گفت که طی سال‌های اخیر مشکل جدی میان نظام آموزشی و ساختار اقتصادی به وجود آمده و نظام آموزشی کشور به جای تقویت اقتصاد و افزایش بهره‌وری طی ۲۰ سال با کاهش بهره‌وری روبه‌رو شده؛ به نوعی طی دو دهه گذشته با افزایش آموزش‌های آکادمیک و دانشگاهی شاهد آن بوده‌ایم که بیکاری این گروه افزایش یافته است.

از سوی دیگر براساس آماری که علی‌حسین شهریور، دبیرکل خانه تعاون‌گران ایران ارائه کرده است: در فاصله سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۳، بیش از ۳ میلیون و ۹۰۰هزار نفر توسط سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور آموزش دیده‌اند.

با این حال، بررسی وضعیت این افراد نشان می‌دهد که از میان بیش از ۳میلیون و ۵۰۰هزار مهارت‌آموخته، تنها ۵۱/۱ درصد فعال اقتصادی بوده و نزدیک به نیمی از آنها غیرفعال مانده‌اند.

این آمار حاکی از آن است که صرف آموزش مهارت بدون توجه به انگیزه و امکان اشتغال، کارآفرینی یا بازگشت به فعالیت اقتصادی، نمی‌تواند منجر به بهبود وضعیت بازار کار شود. در واقع، اگر مهارت‌آموزی به صورت هدفمند و متناسب با نیاز بازار کار و با همراهی سیاست‌های حمایتی و اشتغال‌زایی صورت نگیرد، سرمایه‌گذاری در این بخش بازدهی لازم را نخواهد داشت.

از سوی دیگر داده‌های مرکز آمار نشان می‌دهد که در میانه دهه ۸۰، بازار کار ایران همچنان به صورت سنتی و مبتنی بر نیروی کار غیرتحصیلکرده بوده است که در بازار کار کشور از سال ۱۳۸۴ تا به امروز با تغییرات ساختاری قابل توجهی روبه‌رو بوده است. در سال ۱۳۸۴ تنها ۱۲/۶ درصد از شاغلان، فارغ‌التحصیل دانشگاهی بودند و نزدیک به ۱۶ درصد از فارغ‌التحصیلان نیز بیکار بوده‌اند.

در نیمه نخست این دوره یعنی میان سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۰ با گسترش ظرفیت دانشگاه‌ها و افزایش تعداد دانشجویان، سهم نیروی تحصیلکرده از جمعیت شاغل به تدریج از ۱۲/۶ درصد به ۱۶ درصد افزایش یافت. اما در همان دوره به دلیل رکود سرمایه‌گذاری و ضعف اشتغال صنعتی سهم بیکاران تحصیلکرده با رشد ۱۲ واحد درصدی به ۲۷/۸ درصد رسیده است. برخی از کارشناسان عقیده دارند که در آن سال‌ها به علت آغاز و افزایش تحریم‌ها شرایط شغلی در کشور تغییر کرده و به نوعی تحریم‌ها باعث شده که میزان نیروی کار به صورت موقت کاهش یابد.

افزایش بیکاری فوق دیپلم و لیسانسه

آخرین آمارهای رسمی وزارت کار از میزان بیکاری براساس تحصیلات نشان می‌دهد که افراد دارای فوق دیپلم و لیسانس بیشترین سهم از جمعیت بیکاران را طی این سال‌ها داشته‌اند. برهمین اساس این گروه تقریباً بین ۳۴/۹ الی ۳۶/۸ درصد از بیکاران کل کشور را داشته‌اند.

بررسی اعداد جمعیت بیکاران نشان می‌دهد که داشتن تحصیلات متوسط دانشگاهی، به تنهایی تضمین‌کننده اشتغال نیست و افراد دارای مدرک دانشگاه متوسط و متوسط رو به بالا (فوق دیپلم و لیسانس) در معرض بیکاری بیشتری قرار دارند. روند تغییرات این گروه تقریباً پایدار بوده و هرسال سهم گروه از بیکاران حدود یک تا سه درصد نوسان می‌دهد که این موضوع نشان می‌دهد مشکل بیکاری گریبانگر این گروه است.

در ادامه نیز بررسی‌ها نشان می‌دهد که یک گروه دیگر یعنی دیپلم و پیش‌دانشگاهی، بخش قابل توجهی از بیکاران را تشکیل می‌دهند و طی سال‌های اخیر میانگین آن از حدود ۲۴/۴ و ۲۶/۷ درصد متغیر بوده است. این گروه را می‌توان دومین گروه بزرگ از بیکاران کشور دانست که طی سال‌های اخیر در مقایسه با گروه فوق‌دیپلم و لیسانسه افزایش ناچیزی داشته‌اند.

بر این اساس می‌توان گفت که سیستم آموزشی کشور دارای مشکل است و از همان ابتدا، این افراد آماده ورود به بازار کار نیستند.

درحال حاضر بررسی‌ها نشان می‌دهد میزان بازدهی نیروی کار فارغ‌التحصیلان دبیرستان یا همان دیپلمه بسیار کم است که علت این موضوع را می‌توان در نظام آموزشی مدارس یافت.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که اغلب افراد فارغ‌التحصیل از دبیرستان در بخش‌های مختلف توانایی و آمادگی ورود به بازار کار رسمی و بازار کار آزاد را ندارند. برهمین اساس بخشی از این گروه ترجیح می‌دهند که ادامه تحصیل دهند که در نهایت به گروه فوق‌دیپلم و لیسانسه می‌رسند. نگاهی به آمارها نشان می‌دهد که بازدهی شغلی این گروه نیز به صورت قابل توجهی پایین است.

در کمتر از دو دهه، سهم نیروی کار دارای تحصیلات دانشگاهی تقریباً چهار برابر شده، در مقابل سهم فارغ‌التحصیلان از کل بیکاران نیز از ۱۵/۸ درصد به ۴۰/۳ درصد افزایش یافته است. بر همین اساس می‌توان با قطعیت گفت که طی سال‌های اخیر مشکل جدی میان نظام آموزشی و ساختار اقتصادی به وجود آمده و نظام آموزشی کشور به جای تقویت اقتصاد و افزایش بهره‌وری طی ۲۰ سال با کاهش بهره‌وری روبه‌رو شده

نکته اساسی اینجاست که سهم بیکاران فوق‌لیسانس در سال‌های اخیر افزایش یافته است و از ۶ درصد در سال ۱۳۹۳ به ۷/۹ درصد در سال ۱۴۰۰ رسیده است. این موضوع به وضوح نشان می‌دهد حتی افراد با تحصیلات بالا و قابل قبول جامعه نیز با مشکلات اشتغال مواجه هستند.

احتمالاً تجربه سایر حوزه‌ها نیز در این حوزه وجود دارد، یعنی میزان مهارت‌های تخصصی و مطابق با تحصیلات به صورت قابل توجهی کاهش یافته است.

اما نکته اساسی اینجاست که آمارها نشان می‌دهد سهم بیکاران با تحصیلات ابتدایی و راهنمایی در مقایسه با سایر گروه‌ها کمتر است. میزان بیکاری افراد دارای تحصیلات ابتدایی بین ۱۱/۲ تا ۱۳/۱ درصد و تحصیلات راهنمایی نیز بین ۱۷/۲ تا ۱۹/۶ درصد متغیر است که این موضوع نشان می‌دهد بیکاری در سطوح پایین تحصیلی کمتر از تحصیلکرده است و در یک جمله می‌توان گفت که «تحصیلات بالاتر مساوی با بیکاری بیشتر است.»

یکی از علت‌های کاهش سهم بیکاران با تحصیلات کمتر را می‌توان خروج این افراد از بازار کار یا ورود به مشاغل غیررسمی دانست. بررسی‌آمارها نشان می‌دهد که گروه متوسطه نیز تعداد ثابتی در این سال‌ها داشته‌اند، تقریباً بین ۲۴/۴ تا ۲۶ درصد که این موضوع نشان می‌دهد این گروه در مقایسه با افراد تحصیلکرده بیکاری کمتری دارند و به نوعی شرایط باثبات‌تری را تجربه می‌کنند. البته برخی از کارشناسان حوزه کار عقیده دارند که اغلب این افراد به فضای کار غیررسمی کوچ می‌کنند که این موضوع باتوجه به تغییر جمعیت طی سال‌های اخیر کمک می‌کند که میزان بیکاری در این گروه افزایش پیدا نکند.

همچنین بررسی‌ها نشان می‌دهد که بخش بزرگی از اشتغال در کشاورزی، بر خدمات خرد و صنعت دستی متمرکز بوده است. فارغ‌التحصیلان این گروه سهم اندکی از نیروی کار داشتند و میزان بیکاری این گروه نیز بسیار محدود بوده است. در بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ بخش عمده‌ای از فارغ‌التحصیلان دهه ۷۰ وارد بازار کار شدند که در همین زمان سهم این افراد از گروه شاغلان به ۲۳ درصد رسید و سهم آنها در بیکاران به حدود ۳۷ درصد افزایش یافت.

نبود فرصت‌های متناسب، رکود صنعتی و تمرکز بر رشته‌های غیرکاربردی از مهمترین دلایل این ناترازی شغلی به حساب می‌آید. از سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۴، رشد سهم فارغ‌التحصیلان در میان افراد شاغل سرعت گرفت و از محدوده ۲۳ به ۲۷ درصد رسید. با این حال، بیکاری فارغ‌التحصیلان همچنان بالا ماند و در حدود ۴۰ درصد تثبیت شد.

مشاغل موقت، مشکل اقتصاد

رشد بی‌حد و اندازه مشاغل خدماتی، انفجار فضای مجازی و رونق پلتفرم‌های آنلاین در ظاهر تصویری مدرن از اقتصاد کشور ساخته‌اند، یعنی جامعه‌ای پرجنب‌وجوش، منعطف و دیجیتال. اما آن روی این تصویر پررنگ، واقعیتی کم‌درآمد و بی‌ثبات نهفته است که اشتغال‌هایی غیررسمی، پراکنده و کم‌بازده بیشتر از آن‌که موتور رشد باشند، مُسکن کوتاه‌مدت برای بحران کار شده‌اند، به نوعی به صورت مُسکن موقت، درد بیکاری در جامعه را درمان می‌کنند اما در بلندمدت به علت مشکلاتی که در پی دارند نمی‌توانند تاثیرگذار باشند.

بررسی آمارهای منتشرشده نشان می‌دهد بخش بزرگی از این فعالیت‌ها در قالب خدمات خرد، فروش آنلاین، تولید محتوا یا حمل‌ونقل پلتفرمی و در نهایت می‌توان گفت که به صورت فریلنسری در جریان هستند. این شغل‌ها اغلب بدون بیمه، امنیت شغلی و حتی امکان رشد و ترقی هستند، حتی در چرخه اقتصادی نیز ارزش افزوده پایداری ندارند که نتیجه این موضوع تغییر ساختار، افت ناچیز بهره‌وری نیروی کار و از سوی دیگر اتلاف نیروی انسانی است. سرمایه‌ای که در مراکز آموزشی انباشه می‌شود اما در میدان عمل بدون تحقق و بی‌مصرف می‌مانند. نکته قابل توجه اینجاست که بسیاری از فارغ‌التحصیلان در حوزه تخصصی خود فعالیت نمی‌کنند و همین موضوع باعث شده که دانش آنها بلااستفاده باشد. برای نمونه یک مهندس مکانیکی که به صورت آنلاین لباس‌فروشی دارد یا تولید محتوا می‌کند می‌توان گفت که تحصیلات این فرد بدون کامل بلااستفاده است.

توسعه کمی دانشگاه‌ها طی ۲۰ سال گذشته که اغلب به رقابت بر سر «مدرک» شباهت دارد تا تربیت نیروی متخصص، اکنون خود به بحران تبدیل شده است. طی دو دهه اخیر هزاران دانش‌آموخته در رشته‌های نظری و بدون مهارت عملی یا حتی ارتباط مستقیم با صنعت، بازار بحران در بازار کار شده است و به نوعی بازار کار توانایی و ظرفیتی برای جذب آنها ندارد. برخی از کارشناسان عقیده دارند که یکی از راهکارهای جبران این وضعیت، الزام دانشجویان به انجام دوره کارآموزی است که شاید در میان‌مدت میزان بازدهی نیروی کار افزایش یابد.

کارشناسان می‌گویند که «تورم نیروی تحصیلکرده» ناکارآمدی آموزش کشور را به نمایش گذاشته است تا جایی که رشد فارغ‌التحصیلان از رشد اقتصاد پیشی گرفته و هر روز فاصله میان مدرک دانشگاهی و موقعیت شغلی عمیق‌تر می‌شود.

براساس آخرین آمارهای مرکز آمار، نرخ رشد اقتصادی در سه ماهه نخست سال ۱۴۰۴، برابر با ۰/۱ درصد بود و نرخ بیکاری در تابستان امسال به ۷/۴ رسیده و درحال حاضر نرخ تورم مصرف‌کننده در شهریورماه به ۳۷/۵ درصد رسیده است.

از نظر اقتصادی، وضعیت فعلی یک مسئله اجتماعی نیست، چراکه کاهش بهره‌وری به معنای کاهش رشد اقتصادی، اتلاف هزینه‌های آموزشی و افت بازده سرمایه انسانی است که به طور کلی این عوامل باعث می‌شود بازدهی اقتصاد کشور به صورت قابل توجهی کاهش یابد. آمارهای منتشرشده در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که کمتر کشوری همانند ایران چنین شکاف عمیقی میان نظام آموزشی و استخدامی دارد که این موضوع ناشی از سیاست‌های صنعتی نادرست است. کارشناسان عقیده دارند که ادامه‌دار شدن این روند می‌تواند اقتصاد کشور را به ناکارآمدی و مختل شدن چرخ توسعه نزدیک کند.

به طور کلی می‌توان گفت که تحصیلات دانشگاهی در حال حاضر به‌هیچ‌عنوان نمی‌تواند تضمین‌کننده آینده شغلی فرد باشد، چراکه در حال حاضر شکاف عمیقی میان سیستم آموزشی و استخدامی کشور وجود دارد. از سوی دیگر فاصله میان علم و عمل نیز بسیار زیاد است.

درحال حاضر بخش عمده‌ای از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی با درجات علمی بالایی در عمل نمی‌توانند بازدهی بالایی داشته باشند و به همین دلیل برخی از آنها از حضور در بازار کار تخصصی خود جا مانده‌اند. بر همین اساس لازم است که پیوندی میان سیستم آموزشی و استخدامی کشور ایجاد شود تا حداقل نیروی فارغ‌التحصیل در سال‌های پیش رو بتواند وارد سیستم استخدامی کشور شود. اگر روند فعلی ادامه یابد احتمالاً طی سال‌های آینده شاهد آن باشیم که بیکاری در افراد فارغ‌التحصیل به بیش از ۵۰ درصد برسد که باتوجه به عدم رشد اقتصادی کشور این موضوع می‌تواند تبدیل به یک بحران بزرگ در اقتصاد کشور شود.

برخی از کارشناسان عقیده دارند که این آموزش‌ها باید از پایه‌های ابتدایی و راهنمایی آغاز شود تا اگر فرد قصد ادامه تحصیل دانشگاهی را نیز نداشت بتواند با یک تخصص و دانش علمی و علمی کامل وارد بازار کار شود. در اصل لازم است در کنار آموزش‌های علمی در مدارس، آموزش‌های عملی نیز داده شود تا دانش‌آموختگان پس از دریافت دیپلم با داشتن عمل کافی و هنر لازم در کارهای مختلف بتوانند وارد کار بازار آزاد یا دولتی شود. از سوی دیگر اگر دانش‌آموزان از ابتدا آموزش ببینند و دوره دانشگاه نیز این آموزش‌ها ادامه داشته باشد، شاهد آن خواهیم بود که دانشجویان در آینده با کمترین بیکاری در جامعه حضور خواهند یافت و هر یک تجربه و تبحر کافی برای انجام امور خود را دارند.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان شمالی - اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک شیروان
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر کلاسه ۱۴۰۳۱۱۴۴۰۷۱۱۴۰۰۱۴۹۱ و رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۷۱۱۴۰۰۸۱۴۹ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیروان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی اکرم قربانپور مشهد طرقی به شماره شناسنامه ۱۲۵۹ کد ملی ۰۸۲۹۴۰۱۸۰۶ صادره از شیروان فرزند اباذر در شش دانگ یک قطعه باغ درختی به مساحت ۳۵۱۲ مترمربع قسمتی از پلاک ۱۳۷ فرعی از ۱۸ اصلی ناحیه ۲ حوزه ثبت ملک شیروان از محل مالکیت سیدهاشم حسینی‌حسین‌آباد محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۷/۲۱ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۰۶ شناسه آگهی: ۲۰۲۴۰۵۷ محمد زارعی - رئیس ثبت اسناد و املاک

چهار گزارش اقتصادی هم‌میهن برنده جایزه امین‌الضرب

روز گذشته آیین اختتامیه هشتمین دوره جشنواره فرهنگی امین‌الضرب، اتاق بازرگانی تهران برگزار و از برگزیدگان حوزه خبر و رسانه تقدیر شد. خبرنگاران روزنامه «هم میهن» در این مسابقه چهار جایزه دریافت کردند که بیشترین جایزه از یک رسانه در میان رسانه‌های منتخب بود.

گزارش «ارباب گود رباله» نوشته فرزانه طهرانی، دبیر اقتصادی روزنامه هم‌میهن رتبه اول گزارش توصیفی، گزارش «متروکه‌نشینان در شهرک‌های صنعتی» نوشته علی ایوبی، گزارشگر اقتصادی روزنامه هم‌میهن رتبه اول بخش ناترازی‌ها، گزارش «مصادره لب مرز» نوشته رقیه ندایی، خبرنگار روزنامه هم‌میهن رتبه دوم در بخش گزارش خبری تحلیلی را به دست آوردند. همچنین گزارش «یک جهان فرصت» نوشته ایمان امامی از روزنامه هم‌میهن در بخش مقاله دانشجویی برگزیده شد.

گزارش «دستاورد ستاد تنظیم بازار کشور به ریاست معاون اول در بازار برنج» نوشته علی شفائی، برگزیده یادداشت و سرمقاله. در بخش مصاحبه مونا روشندل از ماهانه ترابران با گزارش «مکران؛ اخرین فرصت ایران» رتبه اول، مریم میخانک‌بابایی از ماهنامه دنیای انرژی با گزارش «توسعه اقتصادی کشور با سرمایه‌گذاری در توسعه صنعت نفت تحقق می‌یابد» رتبه دوم و بمانجان ندیمی از روزنامه ایران با گزارش «دعوت FATF چراغ سبز اروپا به ایران» رسید.

احمد میرخدایی از وب‌سایت اتاق ایران با گزارش «تیغ قیمت‌گذاری دستوری بر گلوی دستمزد» و هادی بهرامی از وب‌سایت بورس نیوز با گزارش «با سرکوب قیمت دلار نمی‌توان مشکلات اقتصادی را پنهان کرد!» در بخش ویژه اقتصاد دستوری برگزیده شدند.

امیر داداشی، از وب‌سایت تجارت‌نیوز با عنوان «سال بلوا؛ سال بلواتر» نفر اول در بخش گزارش خبری تحلیلی، نفرسوم مشترک سارینا سیف از وب سایت تجارت‌نیوز با گزارش «جنگ کدوریدهای جدید؛ رقابت بر سر مسیرهای تجاری و ترانزینی» و نفر سوم مشترک نیز فاطمه امیراحمدی از خبرگزاری مهر با گزارش «عجایب زعفران افغانستان» در لیست برندگان قرار گرفتند.

لیلا شوقی از روزنامه جام جم با گزارش «شنا در آب دزدی» و بسیم لاله از خبرگزاری برنا گزارش «فلافل دو نان پرفروش‌ترین ساندویچ» برندگان بخش گزارش توصیفی بودند.

در ادامه نیز حسین بابالو از نشریه انجمن ملی صنایع پلیمر ایران، خلیل سجاد، انجمن کارفرمایی شرکت‌های اتوماسیون صنعتی و امیر حیدری از مجله مدیریت کیفیت ایران برگزیدگان بخش مجله و رسانه تشکل‌ها بودند.

مقام اول نفر پادکست به سینا موسوی از تیمچه با عنوان «مجموعه پادکست‌های مالی و اقتصادی» و دوم نفر میثم رحمتی از کاریزما با عنوان «مجموعه پادکست‌های مالی اقتصادی» رسید.

برگزیدگان بخش کتاب نیز جلال صفارزاده با عنوان کتاب تاریخچه صنایع ایران، مسعود گلابی با عنوان کتاب مجموعه کتاب‌های معرفی کارآفرینان برای کودکان و نوجوانان و بهزاد یعقوبی با عنوان کتاب گنج‌نامه‌های دارالخلافه رسید.

بخش فضای مجازی نیز سه برگزیده داشت که شامل امین آزاد از بیت ران با عنوان مجموعه فعالیت‌ها در شبکه اجتماعی درباره صنعت خودرو، مهدی محمدی با عنوان تولید محتوا در حوزه کسب و کارهای اینترنتی و فناورانه و عارفه آقابزرگی با عنوان آموزش اقتصادی به کودکان بودند.

علیرضا رحمتی نیز با عنوان مجموعه مقالات اقتصادی و تحقیقی در حوزه ناترازی برگزیده بخش مقاله دانشجویی بود.

در این مراسم رئیس اتاق بازرگانی تهران در سخنانی با اشاره به شرایط اقتصادی کشور و با انتقاد از موضوع برخی سیاستگذاران در قبال تحریم تاکید کرد: گفتند تحریم کاغذپاره است و آنقدر این حرف اشتباه را تکرار کردند که به این شرایط رسیدیم. محمود نجفی عرب گفت: از سوی دیگر کشوری در جهان نمی‌شناسیم که دولت بر همه‌ی حوزه‌ها احاطه داشته باشد اما به پیشرفت و توسعه دست یافته باشد. او گفت: می‌شنویم که رئیس‌جمهوری اعلام می‌کند کاری برای انجام نداریم و می‌خواهیم ساعت کاری را کاهش دهیم در حالی که لازم است حجم کارتان را کاهش دهید و به مسئولیت اصلی خودتان یعنی نظارت برگردید نه تصدی‌گری.